

تبیین توحید، معاد و الهامات رحمانی در اندیشه بانو امین

نشست «آشنایی با مکتب بانو امین» به مناسبت چهل و دومین سالگرد رحلتشان با حضور اساتید حوزه و دانشگاه برگزار شد.



نشست «آشنایی با مکتب بانو امین» به مناسبت چهل و دومین سالگرد رحلتشان با حضور اساتید حوزه و دانشگاه برگزار شد. این نشست ها با هدف بازخوانی میراث علمی و معنوی بانو امین و پیوند دادن نسل کنونی با سرمایه های معرفتی گذشتگان، با تأکید بر حفظ حریم علما و اولیای الهی شکل گرفت.

به گزارش خبرنگار ایگنا، طاهره موسوی استاد حوزه علمیه تهران و عضو مؤسسه کانون فرهنگی بانو امین در مقام گرامیداشت مقام علمی این بانو مجتهد به موضوع «توحید و معاد از منظر بانو امین در نفحه ۳۳ و ۵۶» پرداخت و با قدردانی از تلاش های برگزارکنندگان، بر اهمیت شکل گیری چنین جلساتی برای انتقال میراث معرفتی به نسل امروز تأکید کرد.

اعراف؛ مقام انسانی و محور ولایت

موسوی در آغاز بحث، با اشاره به آیه ۴۶ سوره اعراف به پیوند مفهومی این آیه با آیات پیشین، به تفسیر «اعراف» پرداخت و گفت: مفسران غالباً اعراف را به معنای مکانی مرتفع دانسته اند، اما در روایات، به ویژه روایتی که بانو امین در «اربعین هاشمیه» (حدیث شانزدهم) نقل کرده، افق عمیق تری از این مفهوم گشوده می شود.

در این روایت، امیرالمؤمنین (ع) در پاسخ به پرسش درباره رجال اعراف، جایگاه ولایت را محور شناسایی اهل بهشت و جهنم معرفی می کند؛ جایگاهی که در آن، شناخت خداوند بدون معرفت اولیای الهی ممکن نیست و ورود به بهشت و جهنم براساس پذیرش یا انکار ولایت رقم می خورد. بر این اساس، اعراف نه صرفاً یک «مکان»، بلکه مقامی وجودی است که مراتب انسان ها را از یکدیگر جدا می سازد.

مقام انسانیت، نه دیوار میان بهشت و جهنم

موسوی تأکید کرد که حجاب میان بهشت و جهنم را نباید به صورت دیوار یا پرده ای مادی تصور کرد، بلکه این حجاب، همان مراتب وجودی انسان هاست. اعراف، قله رفیع مقام انسانیت است؛ مقامی که مصداق اتم آن، معصومان (ع) هستند، هرچند حتی میان معصومان (ع) نیز مراتب و درجات وجود دارد.

این مقام به طور مطلق منحصر در معصومان باقی نمی ماند؛ انسان ها با پیروی از اولیای الهی، سیر علمی و عملی، و التزام به ولایت می توانند به مراتبی از کمال و حتی عصمت اکتسابی دست یابند. از این منظر، «رجال» در آیه، ناظر به جنسیت نیست، بلکه اشاره به «مقام انسانی» دارد که زنان و مردان می توانند به آن نائل شوند.

بانو امین؛ سلوک معنوی در متن زندگی

وی در ادامه توضیح داد: به زندگی بانو مجتهد امین پرداخته شد؛ بانویی که مسیر کمال را نه با کناره گیری از زندگی، بلکه در متن مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی پیموده است. در زندگی نامه بانو امین نشانی از ریاضت های افراطی یا چله نشینی های مرسوم دیده نمی شود؛ بلکه او در عین همسرمداری، مادری و تدبیر امور خانه، به تحصیل، تهذیب نفس و سیر معرفتی پرداخت.

کتاب «نفحات الرحمانیه» در همین بستر معنا پیدا می کند؛ کتابی که مشتمل بر واردات قلبی و الهامات رحمانی است. «نفحه» در اینجا، به معنای الهاماتی است که در مقابل وساوس شیطانی قرار دارد و نصیب انسان هایی می شود که روح خود را مهیا کرده اند.

نزول وحی یا عروج انسان؟

موسوی در تبیین ماهیت این الهامات، به این نکته اشاره کرد: در امور معنوی، «نزول» به معنای پایین آمدن حقیقت نیست، بلکه

به تعبیر استاد جوادی آملی، ترقی روح انسان است. انسان با سیر الی الله بالا می رود و ظرفیت دریافت حقیقت را پیدا می کند؛ همان گونه که در مسئله نزول قرآن نیز، حقیقت امر به عروج پیامبر(ص) بازمی گردد، نه تنزل کلام الهی.

در «نفحات الرحمانیه»، بانو امین از دوره ای طولانی سخن می گوید که این الهامات برای او رخ می داد، اما از نگارش آن ها پرهیز داشت؛ از یک سو بیم سوءبرداشت و خودستایی و از سوی دیگر، احساس هدررفتن و ناگفته ماندن این معارف است. سرانجام، با الهام از آیه ای الهی، تصمیم به نگارش این واردات گرفتند.

معرفت نفس؛ کلید فهم نفحات

موسوی تأکید کرد: فهم چنین الهاماتی بدون «معرفت نفس» ممکن نیست؛ همان اصلی که بزرگان دین بارها بر آن تأکید کرده اند. انسان عالمی است که مقتضی دریافت حقیقت در او وجود دارد، اما موانعی چون اشتغالات دنیوی، حجاب این دریافت می شوند. بانو امین توانست در دل همین اشتغالات، این موانع را کنار بزند.

در ادامه، به نمونه هایی از رؤیاهای و مکاشفات نقل شده در نفحات اشاره شد؛ از جمله تجربه ای که بانو امین در آن، خود را در میانه خوف و هجوم می بیند و با حضور پیامبر اکرم(ص) آرامش می یابد؛ حضوری پدرا نه که به شفاعت، رفع خوف و افاضه اسرار می انجامد. این مکاشفات، اگرچه در مرتبه ای پایین تر از وحی نبوی قرار دارند، اما در چارچوب الهامات رحمانی معنا پیدا می کنند.

توحید و معاد در نفحه های ۳۳ تا ۵۶

موسوی در بخش پایانی سخنان خود که به نفحه های ۳۳ تا ۵۶ کتاب اختصاص داشت، گفت: این فقرات جایی است که بانو امین به اوج بیان توحیدی و معادشناسانه می رسند. در این نفحات، حقیقت ایمان به گونه ای ترسیم می شود که انسان خداوند را در همه مراتب هستی می بیند؛ نه صرفاً به عنوان خالق اشیا، بلکه به مثابه حقیقتی حاضر در تمام عوالم.

در نفحه های پایانی، معاد نه یک واقعه منفصل، بلکه ادامه طبیعی سیر وجودی انسان معرفی می شود؛ صحنه ای که در آن، مراتب معرفتی انسان ها، صورت و ظهور می یابد. گستردگی این مباحث به اندازه ای است که بخش عمده کتاب «نفحات الرحمانیه» را به خود اختصاص داده و آن را به اثری متمایز در حوزه توحید، انسان شناسی و معاد تبدیل کرده است.